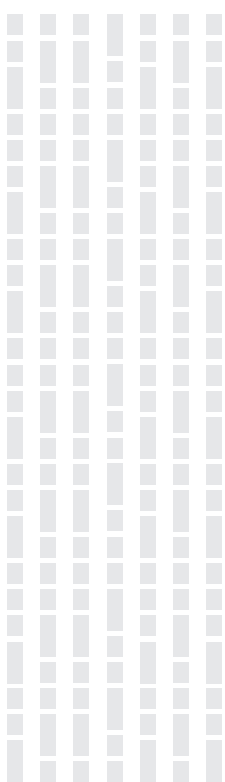


فرهنگیتمان



مدیرمسئول:

محمدامین ایمانجانی

فانم مقام مدیرمسئول:

مسعود فروغی

سرردبیر:

محمّد زعیّم‌زاده

تلفن و فکس:

۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵

کدپستی:

۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶

چاپ:

چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی

نشانی:

خیابان حافظ،پایین‌تر از جمهوری

روی‌مروی ساختمان بورس

ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم

۴۰درصد افراد بیکار در تابستان ۱۴۰۴ تحصیلات دانشگاهی دارند، ۲ درصد کمتر از سال گذشته

بدون مهارت کار سختی دارید



فاطمه سادات مرتضوی خبرنگار گروه اقتصاد

در حالی که مدرک دانشگاهی برای بسیاری نماد موفقیت و آینده روشن است، آمارها نشان می‌دهند روز به روز تعداد فارغ التحصیلانی که در جست‌وجوی شغل مناسب هستند، افزایش می‌یابد. نرخ بیکاری در میان فارغ التحصیلان دانشگاهی به نقطه‌ای نگران‌کننده رسیده و کارشناسان هشدار می‌دهند که ترکیبی از مشکلات اقتصادی و ضعف در آموزش مهارتی دانشگاه‌ها، این روند را تشدید کرده است. از یک‌سو، دانشگاه‌ها هنوز بیشتر بر آموزش تئوریک تمرکز دارند و بسیاری از فارغ التحصیلان بدون تجربه عملی یا مهارت‌های کاربردی وارد بازار کار می‌شوند و از سوی دیگر، رکود اقتصادی و محدودیت فرصت‌های شغلی، شرایط را برای ورود جوانان تحصیل‌کرده به بازار کار دشوارتر کرده است. کارشناسان معتقدند افزایش تعداد دانشگاه‌ها و رشته‌های غیرکاربردی نیز به مشکل دامن زده و بازار را با نیروی انسانی مازاد مواجه کرده است. مرکز آمار ایران روز گذشته اعلام کرد در تابستان ۱۴۰۴ نرخ بیکاری جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر ۷/۴ درصد و نرخ مشارکت اقتصادی ۴۰/۸ درصد بوده است. بررسی روند تغییرات نرخ بیکاری حاکی از آن است که این شاخص، نسبت به فصل مشابه در سال قبل (تابستان ۱۴۰۳) چیزی حدود ۰/۱ درصد کاهش یافته است. بازار کار ایران طی دو دهه گذشته چهره‌ای تازه به خود گرفته است. تعداد شاغلان دارای مدرک دانشگاهی چهار برابر شده، اما سهم بیکاران تحصیل‌کرده نیز دو برابر افزایش یافته است. از طرفی دیدگاهی میان برخی مردم وجود دارد که دانشگاه رفتن دیگر تضمینی برای یافتن شغل نیست. اما آیا آمار جدید اشتغال در ایران می‌تواند بر این دیدگاه صحه بگذارد؟

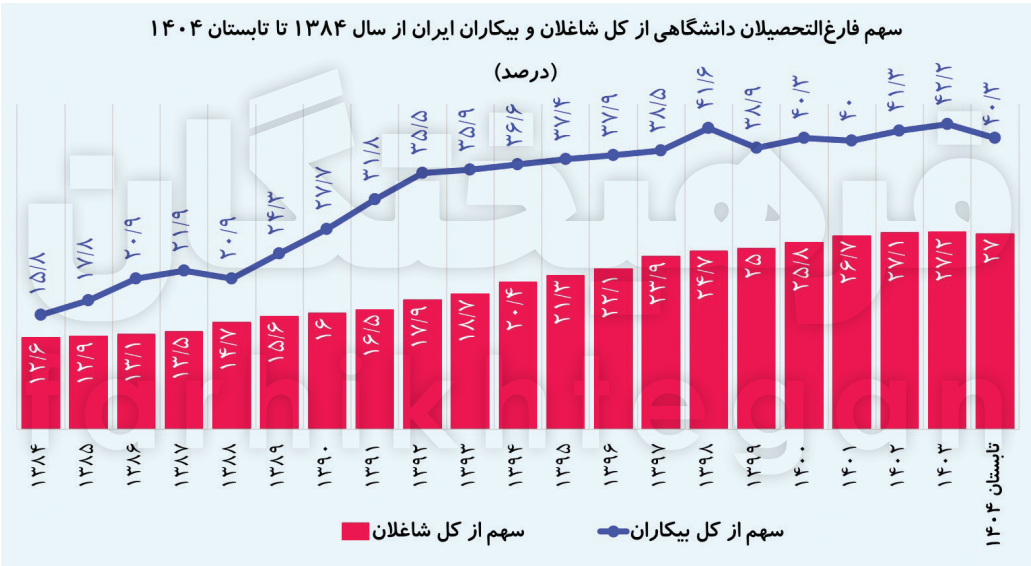
کاهش جزئی تعداد شاغلان در تابستان

مرکز آمار ایران می‌گوید در تابستان ۱۴۰۴، حدوداً ۴۰/۸ درصد از جمعیت ۱۵ ساله به بالا از نظر اقتصادی فعال بوده‌اند، یعنی در گروه شاغلان یا بیکاران قرار گرفته‌اند. بررسی تغییرات نرخ مشارکت اقتصادی حاکی از آن است که این نرخ نسبت به فصل مشابه در سال قبل (تابستان ۱۴۰۳)، ۰/۹ درصد کاهش یافته است. جمعیت شاغلان ۱۵ ساله و بیشتر در تابستان امسال ۲۴ میلیون و ۹۵۸ هزار نفر بوده که نسبت به فصل مشابه سال قبل تقریباً ۱۷۱ هزار نفر کاهش داشته است. همچنین جمعیت غیرفعال از نظر اقتصادی (اعم از افراد محصل،

خانه‌دار، دارای درآمد بدون کار مانند بانزنشستگان و...) ۳۹ میلیون و ۱۰۸ هزار نفر بوده که نسبت به فصل مشابه سال قبل تقریباً یک میلیون و ۴۲ هزار نفر افزایش داشته است. بررسی اشتغال در بخش‌های عمده اقتصادی نشان می‌دهد که در تابستان ۱۴۰۴، بخش خدمات با ۵۳ درصد بیشترین سهم اشتغال را به خود اختصاص داده است. در مراتب بعدی بخش‌های صنعت با ۳۲/۶ درصد و کشاورزی با ۱۴/۲ درصد قرار دارند. نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله حاکی از آن است که ۱۹ درصد از فعالان این گروه سنی در تابستان ۱۴۰۴ بیکار بوده‌اند. بررسی تغییرات فصلی نرخ بیکاری این افراد نشان می‌دهد، این نرخ نسبت به فصل مشابه در سال قبل (تابستان ۱۴۰۳) ۰/۴ درصد کاهش یافته است. بررسی نرخ بیکاری گروه سنی ۱۸ تا ۳۵ ساله نیز نشان می‌دهد در تابستان ۱۴۰۴، ۱۴/۴ درصد از جمعیت فعال این گروه سنی بیکار بوده‌اند. این در حالی است که تغییرات فصلی نرخ بیکاری این افراد نشان می‌دهد این نرخ نسبت به تابستان ۱۴۰۳، به میزان ۰/۴ درصد کاهش یافته است. بررسی سهم دارای اشتغال ناقص جمعیت ۱۵ ساله و بیش‌تر نشان می‌دهد که در تابستان ۱۴۰۴، ۷/۶ درصد جمعیت شاغل، به دلایل اقتصادی (فصل غیرکاری، رکود کاری، پیدا نکردن کار با ساعت بیش‌تر و...) کم‌تر از ۴۴ ساعت در هفته کار کرده و آماده برای انجام کار اضافی بوده‌اند. این در حالی است که ۳۸/۵ درصد از شاغلان ۱۵ ساله و بیش‌تر، بیش از ۲۹ ساعت در هفته کار کرده‌اند.

تنها ۲۷ درصد از شاغلان ایران دارای تحصیلات دانشگاهی هستند

بررسی «فرهیختگان» از داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد، طی دو دهه اخیر، از سال‌های ۱۳۸۴ تا تابستان ۱۴۰۴، سهم فارغ التحصیلان دانشگاهی از کل شاغلان کشور حدود ۳۵ درصد افزایش یافته و از ۱۲/۶ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۲۷ درصد در تابستان ۱۴۰۴ رسیده است. به بیان دیگر، در کمتر از ۲۰ سال، سهم نیروی کار دارای تحصیلات دانشگاهی تقریباً چهار برابر شده است. درمقابل، سهم فارغ التحصیلان از کل بیکاران نیز از ۱۵/۸ به ۴۰/۳ درصد افزایش یافته است. این تضاد آماری نشان می‌دهد رشد تحصیلات عالی در ایران به جای تقویت بهره‌وری، به شکاف عمیق میان نظام آموزشی و ساختار اقتصادی منجر شده است. بررسی داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد در میانه دهه ۱۳۸۰، بازار کار ایران هنوز سنتی و مبتنی بر نیروی کار غیرتحصیل‌کرده بود. بازار کار ایران از سال ۱۳۸۴ تاکنون با تغییر ساختاری قابل توجهی روبه‌رو بوده است. در سال ۱۳۸۴ تنها



چگونه اقتصاد می‌تواند از نوسانات دلاری جان سالم به در ببرد؟

ریشه‌های بنیادی بی‌ثباتی ارزی در اقتصاد ایران

سیدمحبتی هاشمی

پژوهشگر اقتصادی

در سال‌های اخیر، نوسانات بازار ارز به یکی از چالش‌های اساسی اقتصاد ایران تبدیل شده است. هر چند تحلیل‌های کوتاه‌مدت معمولاً به سمت انتظارات تورمی یا تغییرات تقنینگی می‌رود، اما سؤال را می‌توان به نحو دیگری طرح کرد. آیا ریشه این نوسانات را می‌توان در کسری‌های مزمن اقتصاد ایران جست‌وجو کرد و در صورت پاسخ مثبت، راه‌برون رفت چیست؟!

ریشه‌های بنیادی نوسانات ارزی

نگاهی به داده‌های حساب سرمایه و حساب جاری ایران از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۳ نشان می‌دهد که بحران نوسانات ارزی ریشه در ساختارهای بنیادی اقتصاد دارد. خالص حساب سرمایه که نشان‌دهنده جریان ورودی و خروجی سرمایه به کشور است، روندی نگران‌کننده دارد. کسری ۱۹۴۴۱ میلیون دلاری در سال ۱۳۹۶ با نرخ تغییر مثبت ۵۸ درصد، در سال ۱۳۹۸ به حدود ۲۴۹ میلیون دلار کاهش می‌یابد اما در سال ۱۳۹۹ دوباره به منفی ۶۳۷۰ میلیون دلار با افزایش ۲۴۵۸ درصدی جهش می‌کند. این نوسانات شدید نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری خارجی و جریان سرمایه داخلی در بلندمدت با عدم اطمینان شدید مواجه است و هرگونه بهبود موقت، دوام نمی‌آورد. روند منفی خالص حساب سرمایه در سال‌های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳، با کسری‌های ۱۵۰۶۹، ۲۰۴۵۷ و ۲۱۶۷۹ میلیون دلار، ضمن ثبت نرخ تغییرات مثبت، نشان‌دهنده ادامه فشار بر بازار ارز است. این فشار به‌وضوح پایه‌های یک سیکل نوسانی پایدار را فراهم می‌کند که تنها با درمان کسری‌های مزمن امکان مهار آن وجود دارد.

علاوه بر این، خالص حساب جاری که نشان‌دهنده تراز صادرات و واردات کالا، خدمات، درآمد و انتقال است، تصویر متفاوتی اما تکمیلی از مشکلات ارزی ارائه می‌دهد. در سال ۱۴۰۳، حساب کالا با ۲۶۸۳۰ میلیون دلار تراز مثبت همچنان ستون اصلی ارزآوری کشور

۱۲/۶ درصد از شاغلان، فارغ التحصیل بودند و نزدیک به ۱۶ درصد از فارغ التحصیلان دانشگاهی بیکار بودند. در نیمه نخست این دوره (۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰)، با گسترش ظرفیت دانشگاه‌ها و افزایش تعداد دانشجویان، سهم نیروی تحصیل‌کرده از جمعیت شاغل به تدریج از ۱۲/۶ به ۱۶ درصد افزایش یافت اما به دلیل رکود سرمایه‌گذاری و ضعف اشتغال صنعتی، سهم بیکاران تحصیل‌کرده جهشی ۱۲ واحد درصدی را تجربه کرد و به ۲۷ درصد رسید. افزون بر این بخش بزرگی از اشتغال در کشاورزی، بر خدمات خرد و صنعت دستی متمرکز بود. تحصیل‌کردگان سهم اندکی از نیروی کار داشتند و بیکاری تحصیل‌کردگان هم پایین بود؛ چون اساساً تعدادشان محدود بود. میان سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵، موج بزرگی از فارغ التحصیلان دهه ۷۰ وارد بازار کار شد. در این زمان، سهم تحصیل‌کردگان از شاغلان به ۲۳ درصد رسید و سهم آن‌ها در بیکاران به حدود ۳۷ درصد افزایش یافت. نبود فرصت‌های متناسب، رکود صنعتی و تمرکز بر رشته‌های غیرکاربردی از مهم‌ترین دلایل این ناترازی بود. از ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۴، رشد سهم تحصیل‌کردگان در میان شاغلان سرعت گرفت و از ۲۳ به ۲۷ درصد رسید. با این حال، بیکاری تحصیل‌کردگان همچنان بالا ماند و در حدود ۴۰ درصد تثبیت شد. رشد مشاغل خدماتی، گسترش فضای مجازی و ظهور پلتفرم‌های آنلاین فرصت‌هایی تازه ایجاد کردند اما بیشتر این اشتغال‌ها غیررسمی و کم‌بازده بود. از منظر کلان اقتصادی، این روند به معنای کاهش بهره‌وری نیروی کار، اتلاف سرمایه انسانی و افت بازده آموزش عالی است. تحلیلگران معتقدند توسعه کمی دانشگاه‌ها بدون ارتباط مستقیم با نیازهای بخش تولید و صنعت، به تورم نیروی تحصیل‌کرده منجر شده است؛ پدیده‌ای که اکنون به چالشی مزمن برای اقتصاد ایران بدل شده است. به بیانی دیگر، ایران امروز جامعه‌ای دارد که بیش از هر زمان دیگری تحصیل‌کرده است، اما نه الزاماً مولدتر. اگر سیاست‌گذاری آموزشی، مهارتی و صنعتی همسو نشود، «بیکاری تحصیل‌کرده‌ها» می‌تواند به یکی از پرهزینه‌ترین بحران‌های اقتصاد ایران در دهه آینده تبدیل شود.

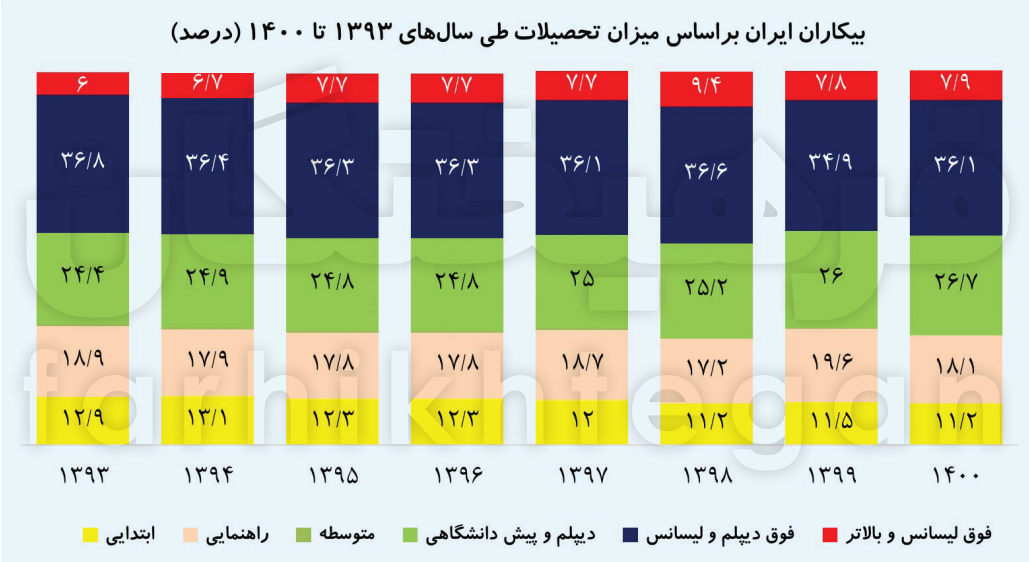
لیسانسه‌ها و فوق لیسانسه‌ها؛ گریبان‌گیر بیکاری

آخرین آمار رسمی وزارت کار از میزان بیکاران بر اساس تحصیلات حاکی از آن است که بیشترین سهم بیکاران در طول این سال‌ها مربوط به گروه «فوق دیپلم و لیسانس» است. این گروه تقریباً بین ۹/۹ تا ۳۶/۸ درصد از کل بیکاران را تشکیل می‌دهد. شاید بتوان گفت که

داشتن تحصیلات دانشگاهی متوسط، به تنهایی تضمین‌کننده اشتغال نیست و افراد دارای مدرک لیسانس یا فوق دیپلم در معرض بیکاری بالایی قرار دارند. روند تغییرات این گروه نسبتاً پایدار بوده و تغییرات آن در حد کمتر از دو درصد نوسان داشته است که نشان می‌دهد این مشکل همچنان ادامه دارد. بخش دیگری از این آمار می‌گوید گروه «دیپلم و پیش دانشگاهی» نیز بخش قابل توجهی از بیکاران را تشکیل می‌دهد و درصد آن در طول سال‌ها از حدود ۴/۴ تا ۷/۷ درصد متغیر بوده است. این گروه همواره دومین سهم بزرگ از بیکاران را به خود اختصاص داده و روند افزایشی جزئی در سال‌های اخیر داشته است. برخی معتقدند این امر نمایانگر عدم تناسب بازار کار با سطح تحصیلات فارغ التحصیلان دبیرستانی است.

آیا مدرک دانشگاهی تضمین‌کنندهٔ اشتغال است؟

در بخش دیگر این آمار آمده است، سهم بیکاران با تحصیلات ابتدایی و راهنمایی به‌مراتب کمتر است. میزان بیکاران دارای تحصیلات ابتدایی بین ۱/۲ تا ۱۳/۱ درصد و تحصیلات راهنمایی بین ۱۷/۲ تا ۱۹/۶ درصد متغیر است که نشان می‌دهد بیکاری در سطوح تحصیلات پایین نیز وجود دارد اما به میزان تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی نیست. البته کاهش تدریجی سهم بیکاران ابتدایی در سال‌های اخیر مشاهده می‌شود که ممکن است به دلیل خروج افراد کمتر تحصیل‌کرده از بازار کار یا مهاجرت به مشاغل غیررسمی باشد. گروه «متوسطه» نیز تعداد ثابتی در این سال‌ها داشته است، تقریباً بین ۴/۴ تا ۲۶ درصد و به‌طور کلی نشان می‌دهد که افراد با تحصیلات متوسطه نیز در معرض بیکاری هستند، ولی نه به شدت فارغ التحصیلان دانشگاهی. نکته قابل تأمل دیگر این ماجرا افزایش سهم بیکاران دارای فوق لیسانس و بالاتر در سال‌های اخیر است که از ۶ درصد در سال ۱۳۹۳ به ۷/۹ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است. این موضوع گویای آن است که حتی افراد با تحصیلات تکمیلی نیز با مشکلات اشتغال مواجه هستند و احتمالاً بازار کار ایران نیاز به مهارت‌های تخصصی‌تر و تطابق بهتر با تحصیلات دارد. درنهایت می‌توان گفت بیکاری در ایران بیش از همه متوجه افراد با تحصیلات دانشگاهی و متوسطه است و با وجود تلاش‌های تحصیلی، تنها مدرک دانشگاهی تضمین‌کننده اشتغال نیست. روند افزایش بیکاری تحصیل‌کردگان عالی نیز هشداری برای سیاست‌گذاران بازار کار است تا با برنامه‌ریزی مناسب، هماهنگی بین تحصیلات و نیاز بازار ایجاد شود.



سرمایه با اصلاح ساختارهای تجاری و سرمایه‌گذاری است. مسیر دوم، حرکت به سمت رسمی‌سازی نظام پرداخت است. استفاده از ابزارهای رسمی نظیر CIPS و ابزارهای رمز پولی و بلاک‌چین می‌تواند مسیر جریان ارز را متفاوت کند. تنها زمانی که این دو رکن اصلاح شوند، می‌توان انتظار داشت سیکل نوسانی فعلی با کاهش شدت و دفعات، مدیریت شود.

با توجه به این واقعیت‌ها، سیاست‌گذار می‌تواند با یک بسته سیاستی چندلایه اقدام کند. ابتدا باید جریان سرمایه را تقویت و کسری حساب سرمایه را کاهش دهد. از طریق تسهیل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تضمین بازده سرمایه‌گذاری داخلی، ایجاد ابزارهای بیمه ریسک و انگیزه‌های مالیاتی برای سرمایه‌گذاری بلندمدت این امر شدنی است و هم‌زمان، اصلاح ساختار حساب جاری و تراز تجاری را در دستور کار قرار دهد. در این باره، حمایت از صادرات کالا و خدمات با ارزش افزوده بالا، کاهش وابستگی به واردات غیرضروری و مدیریت واردات کالا‌های لوکس و مصرفی و تقویت خدمات بین‌المللی و بانکرینگ برای بهبود حساب خدمات می‌تواند جریان ارز را پایدارتر کند.

در سطح بعدی، رسمی‌سازی نظام پرداخت و شبکه‌های ارزی اهمیت حیاتی دارد. توسعه زیرساخت‌های انتقال ارز از طریق CIPS و ابزارهای دیجیتال رسمی، ایجاد چهارچوب قانونی برای بهره‌گیری از ابزارهای رمز پولی تحت نظارت بانک مرکزی و کاهش نقش شبکه‌های تراسیتی غیررسمی با میدان‌داری شبکه صرافانی رسمی ذیل نظارت قانونی و راهبری بانک بانک‌ها، می‌تواند انتظارات بازار را مدیریت و نوسانات را کاهش دهد.

اگر بخواهیم در شرایط فعلی از رسیدن دلار به دالان رشد صعودی و نوسانات هیجانی جلوگیری کنیم، اجرای این اقدامات نه فقط ضروری، بلکه اجتناب‌ناپذیر است. تنها با اصلاح کسری‌های مزمن حساب سرمایه و جاری، ایجاد توازن در ساختار صادرات و واردات و رسمی‌سازی نظام پرداخت است که می‌توان مسیر بازار ارز را پیش‌بینی‌پذیر و پایدار کرد و از تشدید شوک‌ها در آینده جلوگیری نمود.

فشار شبکه‌های غیررسمی و تراسیتی

بر بازار ارز

اگر تنها به داده‌های عددی نگاه کنیم شاید بتوانیم نوسانات را ناشی از مسائل کوتاه‌مدت بدانیم، اما ترکیب این ارقام با بررسی مبادی تسویه ارزی غیررسمی و شبکه‌تراستی که بخش عمده‌ای از جریان ارز را به خارج از کانال‌های رسمی هدایت می‌کنند، تصویر واقعی‌تری ارائه می‌دهد. عدم رسمی‌سازی نظام پرداخت، وابستگی به نقل و انتقال مبهم و پردردسر و محدودهی به شبکه‌های غیرمتمرکز، باعث می‌شود حتی تراز مثبت حساب جاری نیز نتواند مانع نوسانات شدید بازار شود.

دو کانال محوری برای اصلاح وضع موجود

دو مسیر کلیدی برای اصلاح و بهبود وضع موجود قابل طرح است. مسیر اول، درمان کسری‌های مزمن حساب جاری و حساب